

تأملی بر غایت تربیت اسلامی در هم‌افزایی دین و تکنولوژی^۱

پرستو مصباحی جمشید^۲

محمدعلی عبداللّهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

چکیده

دین و تکنولوژی از پدیده‌های فراگیر در حیات انسانی بوده و تعامل آن‌ها صورت‌های مختلفی دارد. هدف از انجام این پژوهش، صورت‌بندی انواع هم‌افزایی‌های دین و تکنولوژی (سطحی، نادرست و ناقص) و به‌دست‌دادن رویکرد مطلوب و مسئولانه به این رابطه از منظر انسان تکنولوژیک و انسان دین‌دار بود. با توجه به اینکه هدف دین، تربیت آدمی و عالی‌ترین هدف تربیت دینی، وصول به قرب به مثابه واقعیتهای تکوینی است، در این پژوهش، تأثیر انواع هم‌افزایی دین و تکنولوژی بر میزان وصول به این هدف تبیین و تحلیل شد. به منظور انجام تحقیق حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد اگرچه انتفاع دین و تکنولوژی از یکدیگر، از جهات متکثری ممکن است، اشتراک در تعالی طلبی منجر به شکل‌گیری وجوهی تازه از هم‌افزایی آن‌ها شده است. در این پژوهش، نوع مواجهه انسان دین‌دار با تکنولوژی و انسان تکنولوژیک با دین ترسیم و واکاوی شد و با توجه به موقعیت کانونی مفهوم قرب در تربیت اسلامی، تأملات روبنایی و زیربنایی رابطه دین و تکنولوژی برای متولیان تربیتی که توأمان به رشد دینی و هوشمندسازی مراکز و محتوای تربیتی اهتمام می‌ورزند، برجسته شد. نتایج پژوهش نشان داد چهره فی‌نفسه تکنولوژی و وجوهی از آن که در خدمت نیازهای اصیل بشرند، آگاهانه یا ناآگاهانه به قرب می‌انجامد؛ اما آنجا که تکنولوژی در خدمت سیاست‌ها و رویه‌های منفعت‌طلبانه بشری قرار می‌گیرد، وجهه مخرب و نامطلوب پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: دین، تکنولوژی، هم‌افزایی، تعالی طلبی، تربیت، قرب.

۱. این پژوهش با پشتیبانی مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF)، برگرفته از طرح شماره ۹۹۰۱۹۶۱۶ انجام شده است.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ پژوهشگر پسادکتری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

p.mesbahij@cfu.ac.ir

abdollahi@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

امروزه، بشر به مرحله‌ای از حیات رسیده است که در گیرودار عناصر متعددی که هر کدام به نحوی بر کیفیت و کمیت زندگی او اثر می‌گذارند، بحران‌ها و چالش‌های متنوعی را تجربه می‌کند. به موازات این چالش‌ها همواره جریان‌هایی وجود دارند که سردمداران‌شان داعیه نجات بشر را در سر می‌پرورانند و برای عرضه کردن رویکردی مطلوب به زندگی تلاش می‌کنند. دین به عنوان مبنایی الهی برای حیات مادی و معنوی انسان و تکنولوژی به منزلهٔ برساخته‌ای بشری به منظور برآوردن نیازهای دنیایی بشر، از جمله این جریان‌ها هستند. رساندن بشر به حیات مطلوب، ظاهراً غایتی مشترک برای این دو جریان است که هر دو با صبغه‌هایی متفاوت و گاه همسو با یکدیگر، آن را پی می‌گیرند. دین با فرایندی تربیتی و تکنولوژی با فرایندی ابزارپردازانه درصدد دستیابی به این مقصود هستند.

درباب چیستی دین، همواره اختلاف‌نظرهایی میان اندیشمندان وجود داشته است. نورمن ال. معتقد است بیشتر تلاش‌های صورت‌گرفته برای تعریف کردن دین، در کسب استقبال همگانی، ناموفق بوده‌اند (۱۳۷۵، ص. ۱۹). تعاریف عرضه‌شده دربارهٔ دین را براساس وجوه عقلی، عاطفی یا عملی آن‌ها می‌توان به انواعی تقسیم کرد. در بیشتر این تعاریف، دین به یکی از وجوه آن تقلیل می‌یابد؛ مانند تعریف اسپنسر^۱ که در آن، دین عبارت است از اعتراف به این حقیقت که کلیهٔ موجودات، تجلیات نیرویی فراتر از علم و معرفت ما هستند (هیگ، ۱۳۷۲، ص. ۲۳)؛ همچنین در تعریفی دیگر از شلایرماخر^۲، «دین‌داری نه علم است و نه فعل؛ بلکه تلطیف احساس یا خودآگاهی بی‌واسطه است» (Schleiermacher, 1928, p. 3). به عقیدهٔ امیل دورکیم، دین عبارت است از نظام یکپارچه‌ای از باورها و اعمال مربوط به امور مقدس و به دیگر سخن، اموری مجزا و ممنوع، باورها و مناسکی که همهٔ کسانی را که به آن‌ها وفادارند، در اجتماع اخلاقی واحدی به نام کلیسا با هم متحد می‌کند (Durkheim, 1912, p. 62). جان هیگ، فیلسوف برجسته درحوزهٔ دین، تعاریف عرضه‌شده از دین را بر چهار دستهٔ پدیدارشناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و طبیعت‌گرایانه تقسیم کرده است (هیگ، ۱۳۷۲، ص. ۲۲-۲۳). از منظر اندیشهٔ اسلامی، دین همان اسلام است و به همین سبب، خداوند

1. Spencer

2. Schleiermacher

متعال در قرآن کریم فرموده: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹). در دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل «دین» آمده: «دین، وضع و تأسیس الهی است که به سوی حق در اعتقادات و خیر در رفتار راه می‌برد» (دراز، ۱۴۲۷ق، ص. ۶۳). آنچه در نظرگاه اسلامی، نقطه عطف دین‌داری محسوب می‌شود، مقوله تربیت‌شدن به مثابه مسیر خلاقانه تکامل انسان به عالی‌ترین درجه‌ای است که او قادر به وصول بدان باشد. خلاقیت آدمی، معطوف به طراحی روش‌های تازه برای بهره‌مندی از مبانی ثابت و متقن دین است. در این پژوهش، رویکرد هم‌افزایانه مطلوب میان دین و تکنولوژی را با توجه به تعریف دین از منظر اسلام و غایت تربیت (قرب) به دست می‌دهیم.

تکنولوژی نیز یکی از جنبه‌های مهم زندگی مدرن محسوب می‌شود، ساخت آن پیشینه‌ای به قدمت حیات بشر دارد و تأمل نظری در باب آن از دوره باستان، مورد توجه بوده است. افلاطون و ارسطو تکنیک را ساختن، تکمیل کردن و محاکات طبیعت با استفاده از قوه خیال دانسته‌اند. ارسطو تخنه را به معنای ساحت ابداع به کار برده و معتقد است تخنه با امور تغییرپذیری سروکار دارد که موضوع پوئیس^۱ هستند؛ نه موضوع پراکسیس^۲ (ارسطو، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۴۰)؛ اما تأمل اساسی درباره فلسفه تکنولوژی و بررسی تبعات آن برای تربیت، کافی نبوده؛ به ویژه در سده‌هایی که مظاهر تکنولوژی، تمام و کمال بر حیات بشر سایه افکنده است. ماریو بونخه^۳، فیلسوف و فیزیک‌دان قرن بیستم در تعریف تکنولوژی از یازده شاخص استفاده کرده و معتقد است ما با جامعه تخصصی، جامعه گسترده‌تر، گستره اشیا طبیعی و مصنوعی و اجتماعی، چشم‌انداز کلی یا فلسفی، چهارچوب صوری و منطقی و ریاضی، پیش‌زمینه‌ای مشخص از داده‌ها و فرضیه‌ها و روش‌ها، مسائل، دانش، اهداف، و روش‌ها و ارزش‌ها می‌توانیم تکنولوژی را بفهمیم (Durbin, 2006, p. 51-52). علاوه بر آنچه گفتیم، تعاریف دیگری از سوی اندیشمندان درباره تکنولوژی طراحی شده است و در هر کدام از آن‌ها بر وجوهی از تکنولوژی تمرکز شده است.

در خصوص تکنولوژی، رویکردهایی خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد و با وجود اینکه برخی معتقدند نجات بشر از تمام محدودیت‌ها با استفاده از تکنولوژی محقق خواهد شد،

-
1. Poiesis
 2. Praxis
 3. Mario Bunge

شماری از صاحب‌نظران، نگاهی بدبینانه به تکنولوژی‌های جدید دارند. از نظر آنان، توانایی فوق‌العاده‌ای که بیشتر شبیه خدایان اسطوره‌ای است، در تکنولوژی‌های جدید وجود دارد و توان علی این تکنولوژی‌ها به قدری زیاد است که کنترل کردن آن را بسیار دشوار می‌کند؛ علاوه بر آن، نابودشدن تمدن بشری از این طریق، چندان بعید به نظر نمی‌رسد و به همین سبب، فوکویاما از تحولات تکنولوژیکی اخیر، به دلیل اینکه چشم‌اندازی از ستم و خشونت است، به عنوان خطرناک‌ترین ایده یاد می‌کند (Bostrom, 2005, p. 25)؛ لذا باید در مباحثی از این دست تأمل کرد: آیا انسان دین‌دار در دوران معاصر می‌تواند از تکنولوژی روی برگرداند؟ اگر نه، نحوه مواجهه او با تکنولوژی چگونه باید باشد؟ انسان تکنولوژی‌زده، از دین چه بهره‌ای می‌تواند ببرد و به چه نوع آگاهی‌ای نیاز دارد تا در خصوص کاربردهای نظری و عملی دین، متقاعد شود؟ مسئله اصلی در پژوهش حاضر، بررسی انواع رابطه میان دین و تکنولوژی، و یافتن ارتباط مطلوب بین آن‌ها برای بررسی کردن میزان وصول به غایت تربیت اسلامی (قرب) با توجه به اقتضاهای فناورانه در عصر حاضر است. این سطح از بحث تربیتی می‌تواند توسط هریک از ارکان تربیت، اعم از نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده، حکومت، رسانه، و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی به منصفه ظهور برسد و دین و تکنولوژی، هرکدام به نوعی موجد این سطح از تربیت هستند. موضوع این پژوهش، برخوردار از توانایی ترسیم نوع مواجهه انسان دین‌دار با تکنولوژی و انسان تکنولوژیک با دین است.

دین و تکنولوژی، هرکدام به شکلی خاص، به تربیت مربوط‌اند. دین مستقیماً به منظور تربیت کردن و به تعبیری، ربوبی کردن آدمی طراحی شده و غایت تربیت در اسلام، قرب است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۰). تکنولوژی نیز به دو شکل، به قلمرو تربیت کشیده می‌شود: نخست، از طریق فرهنگی که موجد آن است و دوم، از رهگذر تولید ابزارها؛ به همین دلیل، فهم نسبت موجود میان دین و تکنولوژی برای طراحان، سیاست‌گذاران و تمام دغدغه‌مندان حوزه‌های تربیتی، راهگشاست. در این پژوهش کوشیده‌ایم از طریق ترسیم انواع تعامل‌های دین و تکنولوژی به مثابه دو قلمرو گسترده بشری، توجه مخاطبان را به محدودیت-های آشکال تعامل برآمده از فهم غیراصولی دین جلب کنیم. پیش‌بینی می‌شود این موضوع بر بایسته‌های کلان‌روایت دین و مداخله آن در به سعادت رساندن انسان معاصر که در سیطره اشیا تکنولوژیک قرار گرفته است، اثر مطلوب بگذارد و فرایند تربیت را تسهیل کند.

تحلیل و بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها بر آسیب‌ها و فرصت‌های دین و تکنولوژی، رابطه علم و دین، و رویکرد فلسفی به دین یا تکنولوژی متمرکز شده‌اند؛ نه امکان هم‌افزایی میان انسان تکنولوژیک و انسان دین‌دار. این رویکردها قابلیت تولید دانش موردنیاز در زمینه مدنظر این پژوهش را ندارند؛ به همین دلیل نتوانسته‌اند دانشی عمیق درباره رابطه دین و تکنولوژی در مواجهه با غایت موردنظر از تربیت به‌دست دهند یا به فهم دغدغه‌ها و چالش‌های انسان معاصر کمک کنند و در حل مسئله بنیادین او، یعنی یافتن معنای زندگی و به بیان روشن‌تر، تربیت‌شدن، مؤثر و مفید باشند. جنبه نوآورانه پژوهش پیش‌روی، پرداختن به این خلأ موجود در مطالعات دین و تکنولوژی، و نسبت آن مطالعات با غایت تربیت است.

روش پژوهش

هدف این پژوهش، صورت‌بندی انواع هم‌افزایی‌های دین و تکنولوژی و به‌دست‌دادن رویکرد مطلوب و مسئولانه به این رابطه از منظر انسان تکنولوژیک و انسان دین‌دار بود. این مطالعه از حیث روش، جزء مطالعات توصیفی-تحلیلی و به شیوه اسنادی انجام شد. در فرایند انجام پژوهش، پژوهشگر با نظر به عنوان پژوهش، مؤلفه‌های اساسی را استخراج و در بستر سازه اصلی پژوهش که رابطه دین و تکنولوژی و اثرات آن بر غایت تربیت اسلامی است، به تحلیل هر کدام از مؤلفه‌ها پرداخت.

۱. کیستی انسان تکنولوژیک

سیطره شیء تکنیکی و مصادیق و جلوه‌های آن در حیات مادی و معنوی انسان معاصر، مسئله‌ای است که مفهوم «انسان تکنولوژیک» را می‌سازد. تبیین کیستی انسان تکنولوژیک، مستلزم آن است که مشخص شود شیء تکنیکی، چیست و چگونه در زندگی انسانی نمود یافته است.

تکنولوژی درصدد تغییردادن جهان است و انگیزه ذاتی مهندسان نیز همین مسئله است. تکنولوژی ماهیتاً به‌گونه‌است که خود را پیش می‌برد و توسعه می‌دهد و بنابراین می‌توان گفت «محرک بخش زیادی از پیشرفت تکنولوژیک، خود تکنولوژی است» (فرانسن، گرت یان، ایبووان، ۱۳۹۵، ص. ۳۳). در عصر کنونی، موج‌های انقلابی پس‌از عبور از مراحل کشاورزی و صنعتی، به مرحله اطلاعاتی رسیده‌اند (تافلر، ۱۳۸۵، ص. ۱۱). درمیان فناوری‌های شزان

(اعم از فناوری‌های شناختی، زیستی، اطلاعاتی و نانو)، برجسته‌ترین کاربرد تکنولوژی، در مجازی‌شدن امور نمود یافته و این وضعیت به دسترسی آزاد به همه اشکال اطلاعات و طراحی زندگی مجازی بر مبنای الهام‌گیری از محیط انجامیده است. بودریار^۱ در کتاب *نظام اشیا*، با رویکردی فلسفی، وضعیت اشیا در جهان مدرن و پسامدرن را تشریح کرده است. از نظر او دلالت تکنیکی در جهان آکنده از ساختارهای تخیلی سایبرنتیک، اسطوره به هم پیوستگی مطلق جهان است (بودریار، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۳) و این اسطوره در نظامی از اشیا که جنبه‌های فراکاربردی یافته‌اند، در قالب حیات تکنیکی فراذهنی برای انسان عرضه می‌شود؛ بر این اساس، شیء تکنیکی، یعنی شیئی که در زمان ظهور خود تا اعلا درجه اتوماتیک شده، دارای ساختار شکننده است؛ یعنی ضرورتاً قابلیت ارتقایافتن دارد، انتهای آن، باز است و می‌تواند کاربردهایی متنوع داشته باشد؛ به دیگر سخن، این شیء، مستقل، جذاب و انسان‌واره است. در اینجا باید به مطلبی مهم بدین شرح توجه کنیم که هر قدر میزان اتوماتیسم شیء بیشتر باشد، بی‌مسئولیتی انسان نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا در این صورت، انفعال انسان، بیشتر و فعالیت او کمتر می‌شود؛ چون مسئولیت با اختیار و عمل، ارتباط مستقیم دارد و شیء تکنیکی شده، مسئولیت انسان را کاهش می‌دهد. همان‌گونه که بودریار گفته، اتوماتیسم، همان شخصی‌سازی رؤیایی در سطح شیء است (بودریار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۶). جرج خصوصیات تکنولوژیکی زندگی را در پنج واژه اطلاعات، تعامل، بی‌واسطگی، هوش و اینترنت خلاصه کرده (۱۳۹۰، ص. ۴۳۰) و معتقد است این پنج واژه ضرورتاً زیربنای فرهنگ را نابود نمی‌کنند.

یکی از تبعات زندگی تکنولوژیک، مرگ نمادسازی سنتی و تولد نمادپروری فرامدرن در آن است. این تغییر موضع در خصوص قالب‌ها، نمادها یا به تعبیری، فیگورهایی که شیء تکنیکی همراه دارد، به عینی‌ترین شکل در حیات انسان ابزارزده کنونی، مشهود است. به گفته بودریار، امروزه، فیگورها با سه ویژگی در زندگی ما حضور دارند: کنترل، مینیاتوریزه و انتزاعی (بودریار، ۱۳۹۳، ص. ۶۳). مقصود بودریار از ویژگی «کنترل»، عبارت است از کنترل مغزی - حسی سیستم هشیاری انسان که بر سیستم عصبی - عضلانی غلبه می‌کند و بیش از آن به کار می‌آید. ویژگی «مینیاتوریزه» در اصل، عبارت از تمایل به جزئیات، دقت و ظرافت

با هدف نفوذکردن به عمق جهان است. ویژگی «انتزاعی»، عبارت از وارد عمل شدن از طریق هوش انتزاعی متناسب با ساختارهای تکنیکی است که نه تنها ارضای ذهنی را به جای ارضای عینی قرار می‌دهد؛ بلکه آن را به صورتی مطلوب و مکفی ترسیم می‌کند.

دیگر مطلب مهم در این مبحث، تغییرات روانی و نگرشی انسانی است که از شیء تکنیکی در زندگی مجازی شده خود بهره می‌برد؛ به عبارتی انسان خصلتی پیدا کرده که در نتیجه آن، در موازنه‌ای معقول با فناوری قرار گرفته است و از آن اثر می‌پذیرد. از نظر بودریار، شیء تکنیکی در خدمت بشری است که دو خصلت را به دست آورده باشد: یکی سکون و دیگری رؤیاپرداز (بودریار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴). نمود این دو خصلت را در زندگی تکنیکی انسان معاصر به دو صورت جسم‌زدایی و رؤیاپردازی می‌توان مشاهده کرد. این وضعیت بر سطحی نوین از تمدن دلالت می‌کند که همسو با رؤیاهای جدید بشری است. براساس این توضیحات، انسان تکنولوژیک را می‌توان کسی دانست که به اعلا درجه، ماشینی، کارکردگرا و تمایل به گرایش‌های نفسانی خود شده است.

۲. رابطه دین و تکنولوژی

ارتباط دو مقوله دین و تکنولوژی در یک سطح بنیادی‌تر، در بستر ارتباط دین و علم معنا می‌شود. نظریات عرضه‌شده درباره رابطه دین و علم را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: رابطه تعارضی، رابطه تعاملی و تمایز. نظر معیار در خصوص ارتباط میان دین و علم، رابطه تعاملی است و مقدمات آن بدین شرح است:

الف) مقصود از علم، مجموعه مسائل تشکیل‌شده از موضوع و محمول است که پاسخی را برای اثبات یا نفی می‌طلبند. هرگونه تلاش در این راه، تلاشی ازسرخ آن علم به‌شمار می‌آید و منبع یا روش در آن، نقشی ندارد؛ بلکه مقوله‌های فقاقت، تفلسف و پژوهش علمی را شامل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۸۰). علم به‌معنای کشف حقیقت با صرف‌نظر از زمان، مکان، شخص یا آیینی که چنین کشفی بدان مستند باشد، دارای ارزش است و براساس تعالیم اسلامی باید چنین علمی را جست‌وجو و کسب کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص. ۳۱).

ب) مقصود از دین، مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، و قوانین فقهی و حقوقی است که خداوند متعال آن‌ها را برای هدایت و رستگاری بشر تعیین کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹).

با توجه به اینکه علم در معنای منتخب آن، داخل در مفهوم عقل است و نسبت عقل و دین با توجه به تلقی معیار محقق، حاکی از درهم‌تنیدگی آنهاست، ارتباط میان علم و دین نه تنها ممکن؛ بلکه بدیهی، عینی و کاربردی است. پشتوانه کاربردی بودن تعامل علم و دین، فهم نظریه «عقلانیت و حیانی»^۱ است که ازسوی علامه جوادی آملی عرضه شد و حاکی از معقول‌ترین و متعادل‌ترین نوع ارتباط تعاملی است.

با این توضیح، به رابطه دین و تکنولوژی از آن منظر که این مبحث، فهمی روشن از ارتباط انسان دین‌دار با تکنولوژی و نیز ارتباط انسان تکنولوژیک با دین به دست می‌دهد، می‌پردازیم تا نوع مواجهه انسان معاصر با این دو پدیده فراگیر وضوح بیشتری یابد. این مواجهه، طیفی وسیع از مداخله عوامل انسانی، اعم از دست‌ساخته‌های بشری‌ای را که بر گستره هستی می‌افزایند تا تربیت جسم و جان آدمی و وصول به منزلت قرب که هدف اعلاای دین است، دربر می‌گیرد.

دین یا امر مقدس به دلیل قدمت آن، همواره دارای نسبتی با تکنولوژی بوده است. امروزه، دنیوی‌شدن عالمی که در ابتدا مقدس تلقی می‌شد و بسط عالمی که در آن، معنوی بودن، جایگزین دین شده و به تعبیر ماکس وبر، زهد این‌جهانی (Weber, 1964, p. 151-165) را ایجاد کرده، به نوعی به توسعه تکنولوژی یاری رسانده است.

در وهله نخست می‌توان درباره دو رویکرد تقابلی و تعاملی به رابطه دین و تکنولوژی سخن گفت. میچم^۲ در کتاب *فلسفه تکنولوژی چیست؟* برخی مصادیق این دو رویکرد را برشمرده است. تقابل اورشلیم و آتن در نوشته‌های تروتولیانوس، و تنش ابدی میان طبیعت و رحمت که در الهیات لوتری بدان پرداخته شده است، تقابل تناقض‌آمیز و مداوم میان تکنیک و روح را بیان می‌کند (میچم، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۳ و ۱۳۴). براساس رابطه تعارضی، تکنولوژی، حاوی بار ارزشی منفی است و با دین که رویکرد ارزشی مثبت دارد، متعارض است. این رویکرد، به مسئله چگونگی مواجهه انسان با تکنولوژی پاسخی نمی‌دهد، تکلیف انسان را در پذیرش یا رد تکنولوژی روشن نمی‌کند و در بهترین حالت، با توجه به امکان‌پذیر نبودن نفی یا حذف تکنولوژی، به کنارآمدن این دو مقوله به نفع تکنولوژی حکم می‌کند.

۱. ر.ک: مصباحی جمشید، ۱۳۹۸.

میچم در ادامه سخنان خود گفته است: از سویی دیگر، دیدگاه توماسی درباره رحمت که طبیعت را به جای اینکه تغییر دهد، می‌سازد، تکنولوژی را فی‌نفسه، خیری تلقی می‌کند که تمهیدی برای خیری بالاتر است و همین‌طور فردریش دساور که تکنولوژی را نوعی مشارکت در آفرینش الهی و به عبارتی، بخشی از بحث عدالت الهی می‌داند، نمونه‌هایی از توسعه ارتباط دین و تکنولوژی به‌نحو تعاملی است (میچم، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۳-۱۳۴). رابطه تعاملی را از دو منظر می‌توان تحلیل کرد: نخست، آنکه این رابطه از قلمروهای مستقل دین و تکنولوژی حکایت می‌کند که درعین استقلال‌داشتن، قابل استفاده برای یکدیگرند. سوزان جرج معتقد است تکنولوژی می‌تواند از بنیانی وسیع‌تر به‌نام دین، منتفع شود؛ هرچند دین اساساً قادر نیست کاربری تکنولوژی را تغییر دهد (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۳۲). صاحب‌نظرانی مانند پایا (۱۳۹۶) نیز در این دسته جای می‌گیرند. طبق نظر پایا ما می‌توانیم تکنولوژی دینی داشته باشیم؛ اما نمی‌توان علم دینی یا علم بومی داشت (پایا، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۹). به عقیده او تکنولوژی چون نیازهای غیرمعرفتی آدمیان را برمی‌آورد، می‌تواند در خدمت نیازهای خاص دین قرار گیرد؛ همچنین دین می‌تواند در کنترل تکنولوژی، نقشی مهم داشته باشد و در این قلمرو، چنانچه آموزه‌های دینی به‌خوبی تفسیر شوند، راهگشا خواهند بود (پایا، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۳). منظر تحلیلی دوم، این است که تکنولوژی، حاوی بار ارزشی مثبت تلقی شود و به همین دلیل، امکان تعامل و توافق میان تکنولوژی و دین وجود داشته باشد؛ البته وجودداشتن رابطه میان دین و تکنولوژی نیز صورتی از مواجهه با این دو مفهوم است که برخی صاحب‌نظران، آن را مطرح کرده‌اند. پیش‌فرض این رویکرد، آن است که تکنولوژی خنثی است و با دین نسبتی ندارد.

در این پژوهش، رویکرد مطلوب به رابطه دین و تکنولوژی، رویکرد تعاملی با نظر به دو حیثیت نظری و عملی است؛ یعنی تکنولوژی با توجه به مفاهیم بنیادین ناظر به عمل تحلیل می‌شود تا بتوان با وضوح بیشتری درباره نسبت آن با دین سخن گفت. یکی از لوازم پذیرش رابطه تعاملی، قائل شدن به وجوه اشتراک است و از جمله این وجوه، «ادعای گستردگی و شمول» را می‌توان نام برد. تکنولوژی با فنون عملی، همه عرصه‌های حیات بشر را دربر می‌گیرد و سازمان‌دهی می‌کند. دین نیز فرایند ولایت الهی است که همه عرصه‌های حیات را شامل می‌شود و برای سازمان‌دهی این عرصه‌ها در مسیر قرب خداوند متعال و بندگی به

درگاهش نازل شده است. از این منظر، ادعایی ظاهراً مشترک، یعنی سازمان‌دهی زندگی انسان، بین دین که صبغه الهی دارد و برای تعالی انسان در قلمرو حیات مادی و معنوی نازل شده است و تکنولوژی که صبغه دنیایی دارد و ناظر به حیات مادی انسان توسعه یافته است، مشاهده می‌شود. رویکرد تعاملی عبارت است از انتفاع تکنولوژی از دین و بالعکس که می‌تواند صورت‌های مختلفی به خود بگیرد. در رویکرد مختار، انتفاع، برآمده از مقدمات مفروض بدین شرح است:

الف) با توجه به معنای جامع دین، همه انسان‌ها تحت ولایت دین قرار می‌گیرند و دین درصد رساندن انسان به مقام قرب الی الله است.

ب) مراد از تکنولوژی عبارت است از مجموع فناوری‌هایی که در تولید خدمات و کالاها به کار می‌روند و فراتر از آن، فناوری‌هایی که در مهندسی طرح اعمال می‌شوند^۱ (میرباقری، ۱۳۹۸) و بلکه مجموع فناوری‌هایی که خود توسعه مهندسی طرح و توسعه معادلات و علوم کاربردی توسط آن‌ها صورت می‌گیرد.

تبیین دقیق رویکرد تعاملی با مقدمات مذکور، مستلزم بیان دیگر اشکال تعامل دین و تکنولوژی است؛ زیرا تنها در این صورت، قوت نظری و عملی رویکردی که دین را جریان الهی رساننده آدمی به مقام قرب می‌داند و تکنولوژی را برساخته‌ای بشری به منظور تأمین رفاه محسوب می‌کند، در بستری مشترک به نام زیست دنیایی انسان معاصر و در فرایند تربیت‌شدن انسان، آشکار خواهد شد.

۳. انواع تعامل تکنولوژی و دین

لازمه رسیدن به هم‌افزایی مطلوب دین و تکنولوژی، تبیین و تحلیل موشکافانه امکان و ضرورت انواع تعامل‌های شکل‌گرفته در این حوزه است. براساس انواع ارتباط میان دین و تکنولوژی که تبیین شد، هم‌افزایی‌های صورت‌گرفته در این حوزه را به سه شکل سطحی، ناقص و نادرست می‌توان تنسیق کرد که در ادامه، آن‌ها را شرح می‌دهیم:

۳-۱. هم‌افزایی سطحی

در این لایه از هم‌افزایی به خدمات مشترک تکنولوژی و دین در قلمرو ظواهر پرداخته می‌شود. ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای دینی، زیارت مجازی، تور مجازی، خدمات تلفن‌های همراه هوشمند به منظور یافتن جهت قبله، عبادت آنلاین از طریق ارسال تمثال مقدس یا تصویر اماکن مقدس، و آسان‌شدن جست‌وجوی امور معنوی، نمونه‌هایی از خدمات تکنولوژی به دین هستند. در مرتبه‌ای بالاتر، بیان دینی مانند هر مفهوم روبه‌تعالی، نیازمند برخورداری از بدیل‌هایی است که جست‌وجوی معنا را برای انسان معاصر به صورت متنوع درآورد. این نصرت را تکنولوژی در قبال دین انجام می‌دهد. از سوی دیگر، تأیید تکنولوژی از سوی مراکز دینی، توجه متکلمان مسیحی و کشیشان به توسعه ابزارهای فناورانه، و تلاش برای یافتن وجوهی از دین که به تقویت پایه‌های نظری تکنولوژی می‌انجامد، از جمله خدمات دین به تکنولوژی است.

به این سطح از هم‌افزایی، چند نقد وارد است: نخست، آنکه کارکردهای روحی در آن، نادیده انگاشته شده و به سطحی‌ترین لایه از فواید دین توجه شده است؛ دوم، اینکه تعامل ایجادشده بجای آنکه متمرکز بر مبنا، غایت، روش یا موضوع باشد، صوری و مربوط به تنوع ابزاری است؛ همچنین تکنولوژی به تقلید از رفتار انسانی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه توانی فراتر از آن دارد و می‌تواند تا عملیاتی کردن هرآنچه به مخیله بشر خطور می‌کند، پیش برود؛ بنابراین، تابع فرمان‌های دینی نیست. تکنولوژی از خیال‌پردازی‌های بشری استقبال می‌کند و اگر دین، راه را بر توسعه خیال بشر ببندد و توجه انسان را به دریافت‌های حسی و عقلی معطوف کند، از اولویت توجه خارج می‌شود.

۳-۲. هم‌افزایی نادرست

این‌گونه هم‌افزایی با تمرکز بر دو مفهوم بدین شرح صورت‌بندی شده است:

۳-۲-۱. در نظر گرفتن بنیاد مشترک انسانی

از نظر برخی معتقدان به هم‌افزایی دین و تکنولوژی، شباهت دین و تکنولوژی از این جهت است که هر دو بنیانی انسانی دارند؛ بنابراین، همان‌گونه که دین در صدد شناساندن خدا به انسان است، تکنولوژی نیز می‌تواند در این حوزه، نقش خود را ایفا کند. دین، سازه‌ای بشری است که جست‌وجوی خدا را از طریق نظام ساختارمند عقاید دینی تحقق می‌بخشد. تکنولوژی نیز رونمایی از قدرت بشری برای مقابله با هر چیزی است که مانع خودشکوفایی انسان

می‌شود. تلقی‌ای که از دین در نظرگاه این دسته از قائلان به هم‌افزایی وجود دارد، با ایمان تناسبی ندارد. دین جعل انسان و مانعی در برابر تجلی خدا محسوب می‌شود؛ درحالی که ایمان، مقوله‌ای فراتر از آن است. این گروه با این تصور که میان خدای تشخص‌یافته در وجود مسیح و آنچه دین در پی آن است، تمایز وجود دارد، معتقدند ادیان عموماً تحدی‌طلب‌اند و با سازوکار غیرایمانی خود به جای تمرکز بر ارتباط با خدا، بر شناخت خدا، آن‌هم با فهمی کاملاً انسانی متمرکز می‌شوند. این‌گونه دین‌داری که سویه‌ای بشری دارد، به تعبیر کارل بارت، «خودآشکارسازی خدا را محدود می‌کند» (Barth, 1969, p. 27). خداوند متعال، خود را نه در قالب تفسیرهای بشری از خویش، بلکه در جهان عینی و آفاقی عرضه می‌کند و فهمیدن این‌گونه رابطه با هستی، نیازمند ایمان است؛ اما دین، انسانی‌کردن خدا و طراحی کردن کوششی انسانی برای ارتباط با پروردگار است و بقیه‌ادیان، بیش‌از مسیحیت به چنین شکافی دامن زده‌اند. مسیحیت، این برتری را بر اسلام دارد که ارتباط انسان با خدا را از طریق عشق خدا اعلام می‌کند؛ نه از رهگذر مساعی انسان (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۹). لذا کسانی که قائل به بنیاد مشترک انسانی هستند تصریح می‌کنند که این شکل از هم‌افزایی اگرچه برای دیگر ادیان نیز کاربرد دارد، به‌صورت ویژه در خصوص مسیحیت می‌توان از آن استفاده کرد.

وقتی دین، ساخت انسانی به‌شمار می‌آید، نه تنها به‌راحتی با تکنولوژی هم‌سو می‌شود؛ بلکه حتی تکنولوژی بیشتر از دین، وجوه الهی هستی و انسان را نشان می‌دهد؛ زیرا انسان برای جست‌وجو و توسعه‌خویش به توسعه‌ابزار اقدام می‌کند. از نظر جرج، اگر تعالی انسانی، نهایتاً به مداخله الهی نیاز دارد، برای ممکن‌بودن و محافظت از آنچه انسان‌بودن قلمداد می‌شود، هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا این مداخله الهی نتواند از طریق بنیاد انسانی تکنولوژی، بیشتر از بنیاد انسانی دین اتفاق بیفتد (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۱). طرز بیان موثق-تری که تکنولوژی برای دین ایجاد می‌کند، جان کلام این رویه است؛ بدان معنا که آنچه تحت عنوان دین مجازی، برساخته انسان می‌شود، به‌اندازه دین معمولی و چه بسا بیشتر از آن می‌تواند برای توسعه انسانیت، نافع باشد. «تکنولوژی، جست‌وجویی است که انسانیت را در پرتو ماشین آشکار می‌کند. پرتو ماشین، پرتو الهی است» (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۱).

این‌گونه هم‌افزایی به‌دلیل بطلان علت آن، نادرست است؛ زیرا اگر دین، معنایی متفاوت پیدا کند و طبق نگرش اسلامی، دارای بنیادی الهی در نظر گرفته شود، به آنچه از نظر مسیحیان، ایمان (نه دین) نام دارد، شباهت می‌یابد و چنین محاسبه‌ای برهم می‌خورد. در این صورت، تکنولوژی به‌عنوان آنچه بر ساخته دست بشر است، نمی‌تواند به‌دلیل بنیاد مشترک، با دین که ساختی الهی دارد، همسوسود یا متوازن باشد. در واقع، تعریف دین به‌عنوان موجودیتی برآمده از سوی خدا برای هدایت و رستگاری بشر، انقلابی بنیادین در مفهوم این واژه ایجاد می‌کند. علاوه بر پاسخ سدید مذکور، برخی علاقه‌مندان به ترسیم اشکال تعاملی میان دین و تکنولوژی ادعا می‌کنند هیچ جنبه‌ای از تکنولوژی وجود ندارد که در آن، وجوهی از دین‌داری نباشد؛ حال آنکه نظر این گروه، ادعایی تبیین‌نشده بیش نیست که به‌فرض صحت آن، ماهیت دینی این امور بدان سبب که در عمده موارد، مستور است، برای عموم دین‌داران، قابل درک نخواهد بود. در واقع، فهم انگیزه‌های درونی که در بطن ابزارهای ساخته‌شده رشد می‌کند، نسبت به وجهه مادی و تکنولوژیک آن، چندان مهم به‌شمار نمی‌آید. شاهد این ادعا انتفاع مقایسه‌ناپذیر کشورهای صاحب قدرت از تکنولوژی نسبت به جویندگان معنویت و شکل‌گیری شبکه نخبگی تکنوکراتی است. اگر هم‌افزایی به‌دلیل بنیاد مشترک، درست باشد، طبیعتاً نباید این شبکه نخبگی شکل بگیرد؛ زیرا در عمل، به صورت گرفتن اقدامات و رویدادهایی انجامیده است که با ایمان به معنای مسیحی آن، ناسازگارند. نظام سرمایه‌داری با بی‌اعتنایی به اصول انسانی به‌دنبال جهت‌دادن به ساخت‌های بشری است و این جهت‌دهی با استفاده معقول یا نامعقول از یک ابزار تفاوت دارد؛ بدان معنا که تکنولوژی به‌عنوان ماهیتی خنثی، مفروض نیست؛ بلکه مقوله‌ای جهت‌دار قلمداد می‌شود و تعیین‌کننده جهت، نه خود تکنولوژی یا دانشمندان، بلکه رویه‌های سیاسی - فرهنگی - اجتماعی هستند.

دیگر نکته قابل توجه، این است که تکنولوژی به‌رغم دعای خود، عامل ایجاد یا عمیق‌تر شدن مشکلاتی است که دقیقاً به‌دلیل بنیاد انسانی آن‌ها واقع می‌شوند؛ اما دین حقیقی (اسلام)، فارغ از بنیاد انسانی یا الهی آن، دغدغه حل کردن مسائل بشری است؛ لذا با نظر به خاستگاه بر ساخته‌های بشری از یک سو و مصائب تولیدشده توسط آن از سوی دیگر نشان می‌دهد تمرکز بر بنیاد مشترک آن با دین، تکنولوژی را یاری نمی‌دهد؛ بلکه بیشتر، آن را نفی می‌کند. حتی قائل شدن به بنیاد مشترک انسانی در دین و تکنولوژی، به عموم مردم در

دین‌دارشدن آن‌ها کمکی نمی‌کند و به دیگر سخن نمی‌توان به‌وضوح گفت خدمات تکنولوژی به دین با بنیاد انسانی آن در ایجاد لایه‌های عمده یا جدید از دین‌داری، حتی به‌اندازه‌ی جامعه سنتی مسیحی، مهم و چشمگیر بوده است. در واقع، این پرسش که اگر دین مانند تکنولوژی، بنیادی بشری داشته باشد، آیا تکنولوژی می‌تواند افراد را دین‌دارتر کند، پاسخ ایجابی ندارد؛ زیرا این‌گونه هم‌افزایی را می‌توان وصله‌ای بر اندام تکنولوژی دانست که مبدأ، غایت، موضوع و روش تکنولوژی را به بنیاد آن تقلیل داده است.

۲-۲-۳. مداخله مفهوم مسیحی تجسد

تجسد به‌عنوان موضوعی الهیاتی، همواره مبنایی مهم برای انتفاع تکنولوژی از دین بوده است؛ بدان معنا که اگر خدا در مسیح تجسم یافت، انسان نیز می‌تواند در اشیا تجسم یابد. گزاره مفروض این است که «الهیات نیز جهان فیزیکی را اثبات می‌کند» و با فرض صحت این گزاره، این نتیجه صادق خواهد بود که «تجسم انسان در اشیا ممکن و ضروری است». از نظر جرج، مفهوم مسیحی معاد جسمانی، نمونه‌ای ابتدایی از غلبه بر محدودیت‌های پایانی انسان، یعنی مرگ است. به گفته او: «حیات جاودانی وعده داده شده به مؤمنان نه فقط برای روان‌ها یا ارواحشان، بلکه برای همه شخصیتشان است؛ یعنی هویت کامل موجودات انسانی می‌تواند از این جهان مادی استعلا بجوید» (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۷). وی با بیان این مطلب، در صدد استعانت از ایده تجسد برای توجیه فعالیت ابزارسازانه انسانی است که دارای دو حیثیت درهم‌تنیده مادی و معنوی است. قائلان به تجسد با وجود اینکه می‌کوشند به هر طریق، ارتباطی نزدیک میان تکنولوژی و دین برقرار کنند، معتقدند هدف از این تلاش‌ها ایجاد بیشترین همسویی میان فعل خدا و فعل انسان است و یکی شدن خالقیت انسان و خدا ممکن نیست؛ زیرا اولاً انسان نمی‌تواند در آفریده خود، روح بدمد، ثانیاً ماشین قادر به عشق‌ورزیدن نیست و ثالثاً ماشین نمی‌تواند متعلق رستگاری قرار بگیرد (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۳۵۱-۳۵۲)؛ اما انسان، قادر به تجسم خویش در اشیاست؛ زیرا به عقیده آن‌ها ایده معاد به الگوهای تجربی تجزیه می‌شود یعنی:

ایده‌های پیچیده درباره رستاخیز اساساً براساس الگوهای تکرارشونده تجربه جسمانی استوار است و از طریق استعاره‌های مفهومی تصور و بیان می‌شود؛ به‌عنوان مثال، از طریق تجربه مکرر ما از

عمودی بودن، مانند بالارفتن از نردبان، رستاخیز نیز معمولاً از طریق استعاره‌هایی مانند «رستاخیز، بیدار شدن و بلند شدن است»، مفهوم‌سازی می‌شود (Chang, 2022, p. 15).

کسانی که بر مفهوم تجسد برای تقریب تکنولوژی و دین متمرکز می‌شوند، بیش از اینکه به نتایج انسان‌شناسانه و الهیاتی این ایده بیندیشند، در پی توجیه‌کردن وضعیت موجود، یعنی غلبه تکنولوژی و گشودن آغوش خویش برای استقبال از فراروی آن‌اند؛ لذا با توجه به تمام انتقاداتی که در خصوص معاد جسمانی مسیحی و تجسد خدا در شخص عیسی مسیح مطرح شده است، می‌توان این بهره تکنولوژیکی را نیز نقد کرد. تجسد، مفهومی محدودکننده برای موجودی نامحدود است و نفی اصل تجسد خدا و معاد جسمانی به روایت مسیحی، مبنای گزاره «تجسم انسان در اشیا با الگوی تجسد خدا در مسیح» را متزلزل می‌کند. قدرت آفرینندگی انسان در تولید اشیا را می‌توان پذیرفت؛ اما توازن آن با خالقیت الهی، درست نیست.

۳-۳. هم‌افزایی ناقص

در این بخش بر عناصری از هم‌افزایی تأکید می‌شود که در واقع، درست، اما ناقص‌اند:

۳-۳-۱. انگیزه بخشی دین برای تکنولوژی

الهیاتی که ساختی انسانی دارد، می‌تواند نگرش‌هایی را در باب حقیقت ابداع و به قلمرو تکنولوژی عرضه کند تا تکنولوژی از نظرگاه‌هایی متوسع بهره‌مند شود. لحاظ کردن کارکرد معنوی برای تکنولوژی و تلاش نکردن برای ابداع ماشینی که ادراکی از معنویت، احساس و اخلاق داشته باشد، نمونه‌ای از این‌گونه هم‌افزایی است. براساس این نگرش، الهیات به انسانیت توجه دارد؛ نه به انسان. توسعه انسانیت در پرتو تکنولوژی، به انسانیت در پرتو آموزه‌های الهی می‌انجامد. در واقع، تکنولوژی انسانیت را آشکار می‌کند و اگر در این فرایند آشکارسازی از حد خود تجاوز کند و ما را به انکارکردن انسانیتمان وادارد و به بیان روشن‌تر، ما را به مرتبه اشیا فروکاهد یا به مرتبه خدایان فراکشد، می‌توان گفت توانایی‌هایمان را از بین برده و معضل ایجاد کرده است (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۳۳۸). انگیزه بخشی دین برای تکنولوژی از طریق گشودگی معنایی تحقق می‌یابد که مفاهیم الهیاتی برای تکنولوژی ایجاد می‌کند. جهان‌بینی‌ای که در آن، عقلانیت محاسبه‌گر بر قله نشسته و از انسانیت، تنها خرد محاسباتی نافع است، ایدئالی را برای توسعه ابزارهای بشری ترسیم می‌کند که با ایدئال برآمده از توجه به شخصیتی ذوابعاد و انسانیتی چندوجهی تفاوت دارد. امروزه، تقلید تکنولوژی از محاسبه‌گری

ذهن، مسئله‌ای پیش‌پاافتاده است و جهش به سوی لایه‌های عمیق‌تر شخصیت انسان و گنجاندن آن در ابزارهای برساخته بشری، جذابیت بیشتری دارد. توجه به ذات انسان با اوصافی مانند هوشمند، اخلاقی، احساسی، ارتباطی و در موقعیت بودن، زوایایی است که الهیات برای تکنولوژی ترسیم می‌کند. در واقع، تکنولوژی از این جهت که می‌کوشد شعورِ پسر رفتاری را در ابزارها ایجاد کند، به دین علاقه‌مند است؛ البته از آنجا که طبق نگرش تکنولوژیست‌های مسیحی، الهیات نه ارتباط با خدا، بلکه خداشناسی است، عنصر عاملیت انسانی در آن غلبه دارد و این، مهم‌ترین دست‌مایه تکنولوژی برای نزدیک‌شدن به الهیات است.

بر این هم‌افزایی ناقص، نقدی بدین شرح وارد است که تغییر تعریف از دین باعث می‌شود انگیزه‌بخشی دین به تکنولوژی بر مبدأ، فرایند و غایت تکنولوژی اثر بگذارد. دین می‌تواند:

- الف) منبعی برای استخراج ایده‌هایی نافع برای تکنولوژی به منظور آبادکردن دنیا باشد؛
- ب) موضوعی ارزشمند برای طراحی ابزارهای تکنولوژیک و نحوه استعمال آن‌ها باشد؛
- ج) معیاری برای سنجش میزان انطباق برساخته‌های بشری با حقیقت و هدف هستی باشد؛
- د) آیتی از آیات الهی باشد که با ید انسانی ساخته شده و قادر است مانند هر مدلول دیگر، دال بر خالق حقیقی و واصل‌کننده به قرب باشد.

رویکرد حداقلی‌ای که به دین‌داری در آموزه‌های مسیحیت وجود دارد، مانع از گستردگی معنایی و ساختاری انگیزه‌بخشی دین به همه جوانب حیات مادی بشر و از جمله تکنولوژی می‌شود و این وضعیت در جامعیت دین اسلام به شکل متوسعی قابل استخراج است.

۲-۳-۳. تمرکز بر ایده «سرشت انسان بر صورت خدا»

از نظر برخی قائلان به هم‌افزایی دین و تکنولوژی، قرارگرفتن هویت در این تصویر الهیاتی که «انسان بر صورت خداوند آفریده شده است»، به‌میزانی چشمگیر به وفاق تکنولوژی و دین کمک می‌کند؛ زیرا با تمرکز بر این ایده، انسان به‌عنوان موجودی خلاق، هوشمند، معنوی و اخلاقی فهمیده می‌شود و چنین انسانی افسار تکنولوژی را به دست گرفته است و آن را توسعه می‌دهد؛ لذا تکنولوژی را می‌توان ظهور خلاقیت انسانی دانست که در وجه خدا آفریده شده است. سرشت انسانی، ابعاد روحی و جسمی دارد. بُعد روحی هویت انسان با

استفاده از این موضوع الهیاتی که آفرینش انسان براساس صورت خداست، تبیین‌پذیر می‌شود و این قابلیت، شکاف‌های غیرواقعی در ارتباط انسان و خدا را پر می‌کند. کسانی که می‌کوشند از امکانات الهیاتی برای توجیه ضرورت وجود اقدامات تکنولوژیک بهره‌برند، از این عقیده مندرج در کتاب مقدس بهره می‌برند: «او خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق و شبیه خود بسازیم» (تورات، سفر پیدایش، جمله‌های ۲۶ و ۲۷). این آموزه نه تنها اصلاح‌کننده خطای انسانی در تعریف خود به اندیشه محض و شناخت هویت انسان به عنوان متفکر منطقی عقلانی است؛ بلکه عاملیت را نیز جزئی از روابط انسانی می‌داند و فراتر از این‌ها انسان را بوجه خدا می‌انگارد. قائلان به این نظریه، آن را برجستگی دینی، و ظرفیت بی‌بدیل یهودیت و مسیحیت قلمداد می‌کنند.

در پاسخ به این پرسش که چرا انسان، حامل صورت خداست، اندیشمندان دلایل مختلفی را برشمرده‌اند: از نظر آکوئیناس، انسان به دلیل ماهیت عقلانی‌اش حامل وجه خداست و مارتین لوتر علت این مسئله را اخلاقی بودن انسان می‌داند. به عقیده کالوین، این موضوع را بدین صورت می‌توان توجیه کرد که این آموزه، وجود طبیعی و معنوی دارد. کارل بارت نیز مسئله جنس را مطرح کرده و رابطه انسان به عنوان مذکر و مؤنث را با صورت الهی داشتن مرتبط دانسته است. برکوور بر استعداد شخصی انسان برای ارتباط یافتن با خدا متمرکز شده و از نظر فرست، تجسد، توجیه‌کننده آموزه صورت خدا و برآمده از این نگرش است که بدون جسم، هیچ وجودی نیست و هیچ ذهن و تفکری وجود ندارد. برخی صاحب‌نظران، حس تعالی انسان را عامل این شبیه‌پنداری دانسته و معتقدند نطق یا زبان طبیعی داشتن انسان، عاملی است که او (نه دیگر موجودات) را شبیه خدا می‌کند. از نظر برخی دیگر، مؤلفه ارتباطی بودن آموزه صورت خدا (نه کارکردی بودن آن)، تفسیری است که این آموزه را توجیه می‌کند (جرج، ۱۳۹۰، ص. ۳۴۵-۳۵۰). براساس دلایل یادشده، ماشین نیز که آفریده انسان است، می‌تواند هویت مصنوعی بیابد و ماهیت انسان را آشکار کند؛ همان‌گونه که انسان، آشکارکننده خداست. با الهام‌گیری از آموزه صورت خدا، اختیارات انسان برای ساختن ابزارهای تکنولوژیک گسترش خواهد یافت و این گستردگی بر هم‌افزایی‌ای متکثر میان تکنولوژی و دین دلالت می‌کند.

در تحلیل این عنصر هم‌افزایانه می‌توان گفت اولاً آموزه صورت خدا در اسلام نیز وجود دارد و مختص یهودیت و مسیحیت نیست؛ ثانیاً با وجود اینکه تقریرهایی متنوع از این مطلب در روایات شیعی و اهل تسنن وجود دارد، برخی تقریرها بر این مسئله دلالت می‌کنند که از این عبارت معصوم، صرفاً شباهت حضرت آدم (ع) به خدا را می‌توان فهمید. اصل روایت بدین شرح است:

حسین بن خالد می‌گوید: «به امام رضا (ع) عرض کردم: "یا بن رسول الله! مردم از رسول خدا (ص) روایت می‌کنند که حضرت فرمودند: خدا آدم را به صورت خود خلق نمود." ایشان جواب دادند: "خدا بگشود آنان را! ایشان اول روایت را حذف کرده‌اند. پیغمبر به دو نفر که یکدیگر را سب می‌کردند، گذشتند و شنیدند که یکی از آن‌ها به رفیقش می‌گفت: خدا زشت کند رویت را و روی هرکسی را که شبیه توست! رسول خدا فرمودند: ای بنده خدا! این جمله را به برادرت نگو؛ زیرا خدای متعال آدم را به صورت او خلق کرده است" (صدوق، ۱۴۰۴، ص. ۱۱۹).

در باره این روایت، تفاسیر متفاوتی وجود دارد و برخی در صدد رد آن به دلیل اجتناب از تشبیه و تجسیم برآمده‌اند. از آن سوی، برخی ضمن پذیرش روایت مورد بحث، در پی توجیه معنای آن بوده و برخی نیز در باب معنای آن سکوت کرده‌اند. بر اساس تفسیر امام خمینی از این روایت، ضمیر «ها» در کلمه صورته به خدا برمی‌گردد و مراد از صورت نیز این است که آدم (ع) «مثل» و «وجه» و مظهر خداست؛ چون انسان کامل، تجلی صفات و اسمای الهی روی زمین محسوب می‌شود و حضرت آدم ابوالبشر (ع) نیز از مصادیق انسان کامل است (خمینی، ۱۳۸۴، ص. ۶۳۵-۶۳۶). با این بیان، استنباط امکان تصرفات بشری در طبیعت از خلال این روایت، منتفی خواهد بود؛ اگرچه این مسئله پذیرفته شده که خلاقیت بشری در واقع، نمونه‌برداری‌ای انسانی از قدرت خلاقانه و لایزال الهی به قدر وسع بشری است.

۴. تعالی شرایط انسانی و ارائه هم‌افزایی مطلوب

از میان متکلمان و طرفداران مسیحیت، کسانی که به هم‌افزایی دین و تکنولوژی قائل‌اند، کوشیده‌اند صورت‌هایی متنوع از انتفاع دین و تکنولوژی از یکدیگر را ترسیم کنند. مهم‌ترین دلیل آن‌ها برای اثبات ادعایشان این است که تکنولوژی و دین، هر دو تلاشی برای تعالی بخشیدن به شرایط انسانی هستند. جان‌مایه این رویکرد بدین شرح است:

الف) تکنولوژی نه تنها جست و جوی معنوی را به محاق نبرده؛ بلکه آن را به شکلی دل‌انگیز تسهیل کرده است.

ب) مضمون «استعلای محدودیت آدمی»، به مثابه غایت مشترکی برای دین و تکنولوژی شناخته شده است.

از نظر آن‌ها تکنولوژی برای تفوق بر محدودیت‌های ذهنی و جسمی آدمی می‌کوشد و دین و به‌ویژه مسیحیت با مفهوم مورد نظرش از رستخیز در صدد غلبه بر محدودیت‌های انسان و از جمله محدودیت نهایی او در خصوص مرگ است. این کشش دوجانبه حتی در تبیین علل برآمدن جامعه تکنولوژیک از یک فرهنگ مسیحی - یهودی به کار گرفته شده است؛ به عبارت دیگر، ممکن است در وهله نخست به نظر برسد هدف از تلاش برای اثبات بنیاد مشترک دین و تکنولوژی، جمع‌آوری دلایلی برای توجیه ضرورت وجود تکنولوژی یا اعتباربخشیدن به آن نیست؛ بلکه گسترده‌گی تکنولوژی و منافع انکارناپذیرش بدیهی‌تر از آن است که محتاج تأیید شدن از سوی دین باشد. این هم‌افزایی صرفاً به منظور اهمیت دادن به دغدغه دین‌داران در استفاده از مظاهر تکنولوژی، توجه به ذائقه‌های مختلف بشری، بسط یکی از عرصه‌های نظری تکنولوژی، مسئله‌تراشی برای مراکز تبلیغ دینی، حتی با نگرشی کلان‌تر در عصری که ادیان طرد و رد می‌شوند، در صدد کمک به دین برای دوام و بقای خویش است؛ اما در واقع، مسئله اصلی پرورندگان این ایده، کم‌وکیف ایده «استعلای شرایط انسانی» است. فهم دینی این افراد، وابسته به این مقدمه بنیادین است که انسان می‌تواند و باید هویدا شود؛ لذا هرآنچه این آشکارسازی را تسهیل کند، مطلوب خواهد بود.

در تحلیل این رویه می‌توان گفت اولاً اشکال برشمرده از هم‌افزایی دین و تکنولوژی، برآمده از نگرشی است که قائل به تفکیک «علم و دین» از «تکنولوژی و دین» است؛ همچنین با نظر به رابطه علم و دین، اختلاف آن‌ها را می‌پذیرد. با این پیش‌فرض، تلاش برای هم‌افزایی دین و تکنولوژی از سوی آنان به عنوان زاویه‌ای روشن و امیدبخش صورت گرفته است.

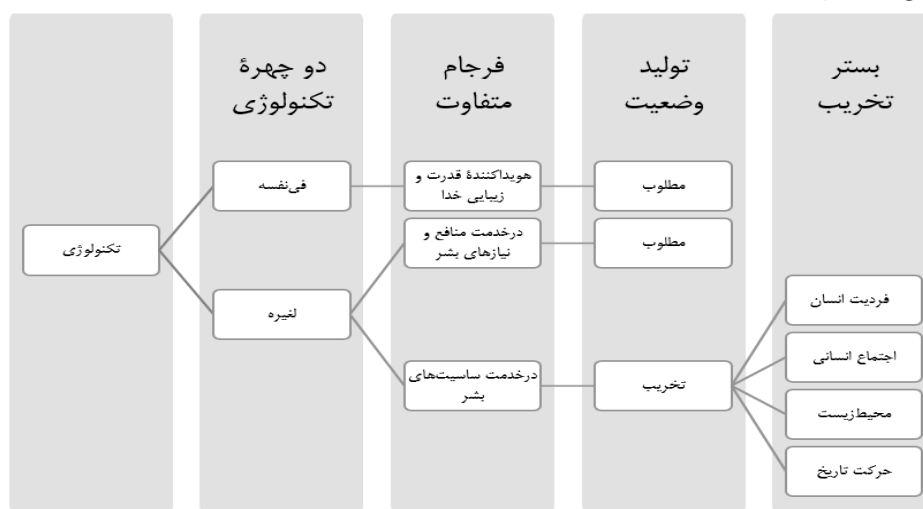
دوماً در اشکال مذکور از هم‌افزایی، کمک دین به تکنولوژی، بنیادی‌تر از حمایت تکنولوژی از دین است؛ زیرا تکنولوژی می‌کوشد خود را از طریق ایجاد قوی‌ترین شباهت میان دست‌سازهای انسانی و خود انسان متوسع کند. فعالان این عرصه در جهت کسب رفتار شبه‌انسانی برای ماشین‌ها متوجه وجوه الهیاتی در انسان می‌شود و می‌کوشد راهی برای

رخنه کردن آن وجوه در مظاهر خود بیابد. در این اثنا جنبه‌های بنیادین حیات تکنولوژیک تقویت می‌شود؛ اما انتفاع دین از تکنولوژی در بیشتر موارد، مربوط به ایجاد آشکالی جدید از ارتباطات دینی است و به عوارض و ظواهر دین بازمی‌گردد؛ نه ذات و جوهر دین. اگر انسان قادر باشد توسط تکنولوژی، موجودی بی‌شبهت به انسان با کارکردی متفاوت بسازد و صرفاً در پی کارکردهایی همچون ادراک، احساس، فعل و انفعال نباشد، توانسته است بر محدودیت‌های خود غلبه کند. تا وقتی انسان در پی دستیابی به آگاهی مطلق و جاودانگی است، در زمین محدودیت‌های خویش می‌کوشد.

در پی تعمق در ماهیت تکنولوژی و دین درمی‌یابیم همسویی میان آن‌ها امکان‌پذیر است. رهیافت مطلوب به هم‌افزایی این‌دو، مدلی است که بنای این رابطه را بر نظریه «علم دینی» می‌نهد و آن را در جهت قرب انسان به غایت حقیقی خویش ترسیم می‌کند. این گونه هم‌افزایی از پذیرش ارتباط علم و دین و حل نزاع آن‌ها برآمده است. این رهیافت ضمن پذیرش نسبت تکنولوژی و دین، به تعامل آن‌ها وارد می‌شود و هم‌افزایی آن‌ها را از جهت فی‌نفسه و لغیره بررسی می‌کند. فرض مهمی که این شکل از تعامل بر آن تکیه می‌کند، این است که برای ایجاد هم‌افزایی، لازم نیست صرفاً متکی به عالی‌ترین شکل آن باشیم؛ زیرا حد‌اعلای هم‌افزایی، زمانی تحقق می‌یابد که دو مقوله در همه یا بیشتر وجوه مبدئی، غایتی، موضوعی و روشی، مشترک باشند و این ظرفیت را به کار گیرند تا مسیر و فرایند را نیز به صورت تعاملی طراحی کنند؛ بلکه می‌توان از درحاشیه‌ترین وجوه تعاملی نیز بهره برد؛ بدان معنا که اگر میان دو مقوله‌ای که درصدد ایجاد تعامل بین آن‌ها هستیم، در مبدأ و غایت، اختلاف بنیادین وجود داشت و درعین حال، هر دو به لحاظ گستردگی، وضعیتی مشابه داشتند، از دیگر ظرفیت‌ها برای ایجاد هم‌افزایی بهره‌بریم؛ مثلاً انسان تکنولوژیک و انسان دین‌دار، هر دو به دنبال دستیابی به تعالی هستند؛ اما مسیر تحقق هدف برای آن‌ها به دو گونه متفاوت طراحی شده است و این دغدغه مشترک می‌تواند چشم‌اندازی جدید را پیش‌روی هر دوی آن‌ها بگشاید. توسط شاخصه‌هایی همچون فطرت مشترک انسانی، اشتراک در ارزش‌های بنیادین و فهم مشترک از آن‌ها، و وحدت کارکردی موجود در انسان که نوعی وحدت دیالکتیک است و به تجانس عناصر سازنده نیاز ندارد، می‌توان وجوهی تازه از تعامل را دریافت. این وجوه در رتبه‌ای عالی به تجلی ناسوتی آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) منتهی می‌شوند؛ بدان

معنا که آدمی در سیر صعودی خود به سوی غایتی که در واقع، مبدأ او بوده است، مراتب متنوع قرب را درخواهد یافت. تحلیل تربیتی مفهوم قرب، حاکی از درهم تنیدگی عناصر اثرگذار بر استعلای روح آدمی است و در این میان، وجوه مادی‌ای که با تکنولوژی تقویت می‌شوند، سهمی قابل توجه از تأثیر را دارند.

در تحلیلی عمیق‌تر می‌توان گفت تکنولوژی دو چهره درونی و بیرونی دارد. صورت درونی آن می‌تواند قدرت و زیبایی خداوند متعال را به رخ بکشد و از این کانال به همراهی با دین برسد. چهره بیرونی آن نیز دو حالت دارد: یا برای منافع و نیازهای اعتباری بشر به کار گرفته می‌شود و یا برای سیاست‌های بشر. اولی ژرفاها را رقم می‌زند و به تسهیل فهم معاد به واسطه فهم معاش می‌انجامد و دومی رویه‌ها را تولید می‌کند که مدیریت آن را صاحبان قدرت تعیین می‌کنند. رویه‌ها عمدتاً مخرب‌اند و تخریبگری آن‌ها دست کم چهار عرصه را تحت الشعاع قرار می‌دهد: فردیت انسان، اجتماع انسانی، محیط‌زیست و حرکت تاریخ؛ لذا تحقق یافتن چهره درونی تکنولوژی و شکلی از چهره بیرونی آن که در خدمت منافع و نیازهای بشر است، می‌تواند هم‌افزایی کامل و درستی را میان تکنولوژی و دین رقم بزند. این بیان را در شکل زیر می‌توان مشاهده کرد:



شکل ۱. تصویری از فرجام تکنولوژی

اگر تکنولوژی مهار شود، هویداکننده قدرت و زیبایی خدا خواهد بود و در غیر این صورت، انسان را به معصیت نخستین، یعنی خوداستغیابی و اکتفا به ذات تنزل خواهد داد. در واقع، قرب به عنوان غایت تربیت اسلامی از خلال تشبیه به صفاتی همچون این دو صفت محقق می‌شود؛ مثلاً اگر انسان بخواهد زیبایی مطلق را شبیه‌سازی کند، یکی از اشکال این زیبایی می‌تواند توسعه تکنولوژی باشد که مبتنی بر اصولی همچون تعادل، تناسب، هدفمندی و کارآیی در امور است (حسین‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۳).

بنابراین، درخصوص رابطه تکنولوژی و دین، پذیرش کامل و تسلیمانه تکنولوژی، نامطلوب است؛ زیرا به پذیرش مظاهر، فرهنگ، لوازم و نتایج آن به صورت قهری منجر خواهد شد. این وضعیت بیش از آنکه توسط فرایند تربیت، قابل کنترل باشد و وصول به مقام قرب را تسهیل کند، بر آن اثر می‌گذارد. نفی کامل تکنولوژی و توجه صرف به آسیب‌ها و خطرات آن نیز مدنظر نیست؛ زیرا باعث امکان پذیر نبودن هم‌زبانی با نسل بعد، صورت‌نگرفتن بهره‌وری از خدمات مثبت تکنولوژی، بی‌بهره‌شدن از نورانیت فی‌نفسه علم و تکنولوژی که برآورنده نیاز بشر در عصر حاضر و آینده جهان خواهد بود، و ناآگاهی از فعالیت جریان‌های معاند و ابزارهای مورد استفاده آنان خواهد شد. این وضعیت به تربیت قرنطینه‌ای منجر خواهد شد که نه تنها برای انسان معاصر، مطلوب نیست؛ بلکه از گشودگی معنایی مفهوم قرب می‌کاهد. در واقع، در اینجا تعامل معقول دین و تکنولوژی، موردنظر است و منظور از تعامل معقول برای انسان‌های دین‌دار، این است که:

الف) معرفت و باور دینی همچون سنجه‌ای برای همه امور عمل کند. اگر این ترکیب، معقول نباشد و معرفت آدمی، حواس او را کنترل نکند، وضعیتی به هم‌ریخته و آشفته برای زندگی دین‌داران ایجاد خواهد شد و ترکیبی ناموزون از همراهی ایمان و تکنولوژی رقم خواهد خورد. در یک ترکیب معقول، حداقل سه مؤلفه عقلانیت، معنویت، و آگاهانه و ارادی بودن باید وجود داشته باشند تا به سازگاری رابطه دین و تکنولوژی با مبدأ و غایت حیات، یعنی قرب الی الله بینجامند. عقلانیت، عامل وصول به قرب^۱ است، معنویت در جهت‌گیری وابسته به دین، آماده‌شدن برای قرب اوست و در جهت‌گیری فارغ از دین، تلاشی

برای دستیابی به آرامش محسوب می‌شود و اراده نیز لازمه هر نوع حرکت معنادار بشری است.

ب) مظاهر تکنولوژی باید در راه یافتن به سمت حقیقت، نافع باشند؛ نه دلشوره‌آور و اضطراب‌زا؛ در غیر این صورت، با ماهیت دین که درصدد تحقق بخشیدن مراتب قرب و دربی آرامش‌بخشی به انسان است و تربیت را فرایندی متعالی می‌انگارد، در تضاد خواهند بود؛ البته این رویکرد صرفاً از نوع دینی نیست و دیگر اندیشمندان نیز بدان اذعان کرده‌اند. هایدگر به عنوان فردی که با عطشی عمیق به تأملات تکنولوژیک پرداخته، تکنولوژی را نوعی انکشاف یا استتارزدایی دانسته است که ما را به ساحت حقیقت رهنمون می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۵، ص. ۳۲)؛ اما آنچه سبب منفی‌شدن دیدگاه او به تکنولوژی می‌شود، این است که از نظر وی، در ماهیت تکنولوژی جدید، نوعی تعرض به طبیعت نهفته است. این صاحب‌نظر از واژه «گشتل»^۱ برای تبیین این مطلب استفاده کرده و آن را در معنای نامرسومش به عنوان «امر گردآورنده تعرض‌آمیزی که انسان را مخاطب قرار می‌دهد و به معارضه می‌خواند» به کار برده است (هایدگر، آیدی، یان هکینگ، کوون، مکنزی، ۱۳۷۷، ص. ۲۳). طبیعی است که میان استفاده از فناوری برای تسلط بر طبیعت و تصرف آن، و ارتباط با طبیعت به مثابه گسترش وجود انسان و به تعبیر برایان آرتور، «امتداد طبیعت» (آرتور، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۹) ما تفاوت وجود دارد؛ لذا باطن انسان آن‌گونه از فناوری را که به نابودی و مرگ می‌انجامد، نمی‌پذیرد. تعامل معقول دین و تکنولوژی برای انسان تکنولوژیک، این‌گونه است که او می‌تواند به دین به عنوان مقوله‌ای تعالی‌طلب بنگرد که به آبادانی دنیا رویکردی موافق دارد و از گشودگی و توسعه وجودی استقبال می‌کند. با توجه به اینکه او از هر مقوله خلاقانه‌ای که امکاناتی وسیع را پیش‌روی انسان می‌نهد، استقبال می‌کند، می‌تواند برخی سازه‌های دینی مانند حقیقت‌جویی، کمال‌طلبی و جاودانگی را موافق با رویکرد خود بباید. چنانچه این نگرش تعاملی، برآمده از درکی صحیح درخصوص زیربنا و روبنای گزاره‌های دینی و در صدر آن، مفهوم قرب باشد، این ارتباط از نوع هم‌افزایانه خواهد بود؛ درمقابل، اگر نگرش درباب دین در معنای عام آن با گزاره‌های ذیل همراه باشد، انتفاع تکنولوژی از دین، بسیار محدود یا ناممکن خواهد شد:

- دین به دوگانگی در همه عرصه‌ها منجر می‌شود.
 - دین، غیریت^۱ را به دست فراموشی می‌سپارد.
 - دین، مانع ساخته شدن هویت به عنوان مقوله‌ای ماهیتاً سیال می‌شود؛ زیرا خود، مقوله‌ای ثابت و ابدی است.
 - مفروض‌پنداری حقایق در نگرش‌های دینی به منزله نادیده گرفتن شعور و تجارب انسانی است.
 - با توجه به اهمیت گفتمان، دین، مانع ظهور تمام شیوه‌های سخن گفتن و عمل کردن می‌شود؛ زیرا خود، مقوله‌ای فرازبانی و فراگفتمانی است.
 - دین درصدد تثبیت منطق این‌همانی است و انسان تکنولوژیک، قائل به این‌نه‌آنی.
 - دین، قدرت استبدادی دارد و با گزینشی ساختارمند، برخی تلاش‌های انسانی را می‌پذیرد و برخی دیگر را رد می‌کند.
 - دین با ماهیت فرازبانی و اعتقادی خود، جدا از متن زندگی است.
 - دین با برتری‌جویی، باعث ناسازگاری نیازها و اقدامات می‌شود.
 - دین، الگومحور است و الگو مانع خودشکوفایی فردی می‌شود.
- این نگرش‌ها مختص جریان‌ها و افرادی هستند که درخصوص اصل دین در معنای عام یا خاص آن، موضع‌گیری‌ای بدبینانه دارند. اگر این گزاره‌ها به بنیان نظری تکنولوژی یا مواضع طراحان آن نفوذ کرده باشد، طبیعتاً هیچ وفاقی میان دین و تکنولوژی روی نخواهد داد. گزاره‌های مذکور، عمدتاً از دو ایده برآمده‌اند: نخست، آنکه دینی بودن، غیر از الهی بودن است؛ دوم، آنکه حقایق دینی، اموری مفروض‌اند. «مفروض بودن حقایق دینی» غیر از «حقایق مفروض دینی» است و مفروض‌پنداری، ظاهراً راه را بر کنکاش روح جست‌وجوگر انسان می‌بندد. کسانی که حقایق دینی را مفروض و مسدودکننده اندیشه می‌پندارند، معتقدند ساختارها و بنیان‌های دینی، فرمول‌بندی‌ای مشخص را به انسان تحمیل می‌کنند و مانع آزادی عمل او و کشف ناشناخته‌های هستی می‌شوند. این بنیان‌ها دال و مدلول‌هایی دارند که پذیرش آن‌ها از شکوفایی فردیت آدمی (بخش خلاقانه وجود که موجب ساخت ابزار می‌شود) جلوگیری می‌کند و آشکارا در تضاد با اهداف سازمان‌های متولی تربیت در عصر موسوم به

تکنولوژی است. این نگرش به شکل تفصیلی در باور فیلسوفان تحلیلی تربیت نیز ظهور یافته است و این اندیشمندان با تلقی علمی درباب تربیت، تربیت دینی را بدان سبب که فاقد ارزشمندی و شاخصه آزمون‌پذیری است، ناممکن قلمداد می‌کنند. از نظر هرست^۱، گزاره‌های دینی در بستر تاریخ به وجود آمده‌اند و چون امکان انفکاک آن‌ها از محدودیت‌های تاریخی وجود ندارد، تعمیم‌پذیر نیستند (1974, p. 76-77). اندیشمندانی که به تعامل دین و تکنولوژی علاقه‌مندند، به‌میزانی که از گزاره‌های مذکور بهره می‌برند، از تلقی معقول درباب این رابطه فاصله دارند.

در نگرش اسلامی، دینی‌بودن، همان الهی‌بودن است و زمانی که فرد به ادراک یقین‌آور موضوعی می‌رسد، ادراک دینی رخ داده است؛ لذا کلیه اقسام علوم (تجربیدی، نیمه‌تجربیدی و تجربی) می‌توانند به نحوی در مسیر قرب الی الله، اثرگذار باشند؛ علاوه بر آن، اگر اثبات شود که دین، راه کنکاش را نبسته و وصول انسان به حقایق مفروض، مقدور و مطلوب است، دیگر تقابلی در کار نخواهد بود. «دین آمده تا به بشر، دانش و ارزش دهد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص. ۹۴)؛ بنابراین، انسان تکنولوژیک می‌تواند از امکانات دینی برای تعالی‌بخشیدن به انسان و وضعیت انسانی بهره‌برد. در این حوزه، دو موضع قابل جمع وجود دارد: نخست، آنکه دین، گشوده‌بودن مسیر شناخت برای تمام روندگانی را که قصد دارند نه از طریق حقایق مفروض، بلکه از مسیر جست‌وجو به حقیقت برسند، توصیه می‌کند: «سَيُرَوُّوا فِي الْأَرْضِ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت، ۲۰)؛ یعنی: «در زمین بگردید. پس ببینید [خدا] چگونه خلق را آغاز کرد»؛ دوم، آنکه دین، حقایق مفروض را برای طالبان این حقایق اعلام می‌کند؛ زیرا شناختی کامل درخصوص انسان دارد: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۸)؛ یعنی: «پس فجور و تقوای او را به او الهام کرد»؛ باوجود آن، راه‌های شناخت، همواره برای انسان، گشوده است: «سُئِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت، ۵۳)؛ یعنی: «[به‌زودی،] آیاتمان را به آن‌ها در آفاق و در نفوس آنان نشان می‌دهیم تا برایشان آشکار شود که همانا آن، حق است». اساساً دین در معنای کامل خود برای تعالی‌بشر از خلال جست‌وجوی آفاقی و انفسی حقیقت نازل شده است. در این معنا نه تنها تکنولوژی فی‌نفسه مانع نیست؛ بلکه به‌شیوه‌ای مطلوب، به تحقق‌یافتن هدف تربیتی دین کمک می‌کند. از سوی دیگر، فرایند تربیتی از طریق تجربه،

1. Hirst

برهان، فطرت، شهود و درمیان عامه مردم با مفروضات مختلف صورت می‌گیرد. در هیچ کدام از جریانات حقیقت‌جو به اندازه تنوع روشی موجود در تربیت دینی، راه‌های شناختی، گشوده نیست و از این منظر انتظار می‌رود نزدیک‌بودن دین و تکنولوژی، نتیجه‌ای معقول برای کسانی باشد که بی‌غرضانه در پی یافتن گذرگاه‌هایی برای تعالی انسان هستند. این گذرگاه‌ها انسان را به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر قرب الی الله رهنمون می‌شوند؛ زیرا ملاقات خداوند متعال، وجوهی متکثر دارد و منحصر به تجلی ذات برای باورمندان نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین موضوعات زیرساختی مشترک میان دین و تکنولوژی، اندیشه «تعالی بخشیدن به محدودیت‌های انسان» است که به‌عنوان ایده‌ای مشترک با دو صبغه متفاوت دنبال می‌شود و بنیان‌های انسانی را در دستیابی به آن در نظر دارد. استفاده از تکنولوژی برای انسان دین‌دار و توجه به مسائل دینی برای انسان تکنولوژیک در دنیای امروزی، واقعیتی انکارناپذیر است؛ لذا علاوه بر اینکه پرداختن به خاستگاه‌گرایش‌های انسان به‌سمت هر یک از دو مقوله دین یا تکنولوژی، دارای اهمیت است، نحوه مواجهه انسان معاصر با آن‌ها ضرورتی دوچندان دارد.

در نظام فکری انسان دین‌دار، شناخت تکنولوژی، این ظرفیت را دارد که انسان را به خدا برساند و در نظام فکری انسان تکنولوژیک، چنانچه رویه‌ها اعمال نفوذ نکنند، شناخت حقیقی از دین حقیقی (اسلام)، او را به‌سمت شکوفایی فطرت سوق می‌دهد. مبدأ و غایت شکوفایی فطرت، مراتب مختلف قرب است که به‌استناد آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)، قطعاً واقع خواهد شد. مسئله مهم، آن است که اکتفا کردن به جایگاه انسانی، دغدغه‌ای مشترک میان انسان تکنولوژیک و انسان دین‌دار محسوب می‌شود. این مسئله در فطرت کمال‌جوی بشر ریشه دارد و زیربنا قراردادن اندیشه فطرت‌محور در کنار مفهوم متعالی قرب، فرایند هم‌منزلی آرمان‌های دینی و تکنولوژیک را توجیه می‌کند و در جهت امیدبخشی می‌کوشد.

دستیابی به فهم متمایز، قانع‌کننده و مستند از هم‌افزایی دین و تکنولوژی، نیازمند پرداختن به کیستی انسان تکنولوژیک، رابطه دین و تکنولوژی، و بررسی انواع هم‌افزایی‌های صورت‌گرفته است. هم‌افزایی‌های سطحی، نادرست و ناقص، آشکالی از مواجهه فائولان به

ارتباط میان این دو عنصر حذف‌نشدنی از حیات انسان معاصر هستند. رویکرد مطلوب به هم‌افزایی دین و تکنولوژی در بطن رابطه علم و دین شکل می‌گیرد، انتفاع تکنولوژی از دین را بنیادی‌تر می‌انگارد، تلاش انسان تکنولوژیک برای رهایی‌یافتن از کلان‌ترین محدودیت بشری، یعنی فنای مادی را ناممکن می‌داند، از ایده پذیرش یا نفی کامل تکنولوژی عبور می‌کند، تکنولوژی را دست‌ساخته بشر در نقش هویداکننده زیبایی و قدرت الهی، همسو با بنیاد غیرانسانی دین در نظر می‌گیرد و نهایتاً تمام تلاش‌های غیرمغرضانه بشری را گامی آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر تحقق‌یافتن قرب الی الله می‌انگارد.

از سوی دیگر، تعامل معقول دین و تکنولوژی برای انسان تکنولوژیک، زمانی قوت می‌یابد که نگرشی صحیح به زیربنا و روینای گزاره‌های دینی داشته باشد. فهم امکانات وسیع و خلاقانه‌ای که اسلام پیش‌روی انسان می‌نهد و استقبال آن از آبادانی دنیا با تعبیر قرآنی «استعمار»، بر رویکرد موافق اسلام به رشد همه‌جانبه انسان در حیات مادی دلالت می‌کند؛ همچنین تعامل معقول این دو عنصر برای انسان دین‌دار، وابسته به این است که باور دینی، سنجه‌ای برای دیگر امور دانسته و وجوهی از تکنولوژی برگزیده و استعمال شود که برای غایت تربیت و شکوفایی سرشت الهی انسان، نافع باشد.

فهم هم‌افزایی معقول دین و تکنولوژی با صبغه اسلامی، به لحاظ نظری و عملی، کارآمد و متقن است؛ اما اگر بخواهیم به صورت کامل‌تری از فواید این پژوهش بهره‌مند شویم، لازم است فهم عمومی درخصوص حساسیت تربیت و شناخت ماهیت تکنولوژی ارتقا یابد؛ البته با توجه به سرعت تحولات در پدیده‌های فناورانه و آشکال عرضه محتوا نمی‌توان انتظار داشت متولیان تربیتی در سطح عموم جامعه بتوانند با همان سرعت، تغییرات اساسی ایجاد کنند؛ بنابراین، پژوهش‌های بعدی می‌توانند درکنار توجه به غایت تربیت اسلامی (قرب)، بر شناسایی و تحلیل دیگر عوامل دینی و تکنولوژیک مؤثر بر موضوع یا روش تربیت، متمرکز شوند.

منابع

قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).

کتاب مقدس.

آرتور، برایان (۱۳۹۴). سرشت فناوری (محمد ابراهیم محجوب، مترجم). تهران: نشر نی.

- ارسطو (۱۳۸۹). *اخلاق نیکوماخوس* (محمدحسن لطفی، مترجم). تهران: طرح نو.
- بودریار، ژان (۱۳۹۳). *نظام اشیا* (یروز ایزدی، مترجم). تهران: ثالث.
- پایا، علی (۱۳۹۶). *گره‌گشایی به شیوه فیلسوفان و مهندسان*. تهران: طرح نقد.
- تافلر، آلوی (۱۳۸۵). *موج سوم* (شهین دخت خوارزمی، مترجم). تهران: علم.
- جرج، سوزان (۱۳۹۰). *دین و تکنولوژی در قرن بیست و یکم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. قم: اسراء. حسین زاده، ام‌البنین (۱۴۰۰). *تدوین الگویی برای تربیت زیبایی‌شناسانه بر اساس مبانی زیبایی در قرآن*. *دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۹(۱۶)، ۸۳-۱۱۳.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). *شرح چهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسین زاده، ام‌البنین (۱۴۰۰). *تدوین الگویی برای تربیت زیبایی‌شناسانه بر اساس مبانی زیبایی در قرآن*. *نشریه دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۹(۱۶)، ۸۳-۱۱۳.
- دراز، محمد عبدالله (۱۴۲۷ق). *بحوث ممهده للدراسة لتاریخ الأديان*. کویت: دار الفله.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا*، جلد یک، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- فرانسن، مارتین؛ گرت یان، لوکهورست؛ و ایبو وان، د. پول (۱۳۹۵). *دانشنامه استنفورد: فلسفه تکنولوژی* (مریم هاشمیان، مترجم). تهران: ققنوس. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۱ق). *بحار الأنوار* (جلد ۱، ۵۱ و ۵۲). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *رابطه علم و دین*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباحی جمشید، پرستو (۱۳۹۸). *بررسی امکان تربیت دینی بر مبنای نظریه عقلانیت و حیانی با تکیه بر نظریات علامه جوادی آملی*. *اخلاق و حیانی*، ۷(۲)، ۵-۳۷.
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۷/۳/۲۰). *بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها*.
- میچم، کارل (۱۳۹۲). *فلسفه تکنولوژی چیست؟* (مصطفی تقوی و یاسر خوشنویس و پریسا موسوی، مترجمان). تهران: سروش.
- میرباقری، سید مهدی؛ حاجی‌ابراهیم، رضا؛ و معلمی، حسن (۱۳۸۹). *جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناختی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

میرباقری، محمد حسین (۱۳۹۸)، سخنرانی رابطه دین و تکنولوژی و تحلیل ریشه آن،
۶۲۰۵۸n.ir/e۲B

نورمن ال، گیسو (۱۳۷۵). فلسفه دین (حمیدرضا آیت‌اللهی، مترجم). تهران: حکمت.
هایدگر، مارتین (۱۳۷۵). پرسشی درباره تکنولوژی (محمد رضا اسدی، مترجم و شارح). تهران:
اندیشه.

هایدگر، مارتین؛ دون آیدی، یان هکینگ، تامس کوون، دونالد مکنزی (۱۳۷۷). فلسفه تکنولوژی
(شاپور اعتماد، مترجم). تهران: نشر مرکز.

هیگ، جان (۱۳۷۲). فلسفه دین (بهرام راد، مترجم). تهران: الهدی.

Barth, K. (1969). *Church Dogmatics*. T and T. Clark Publishers, Ltd.

Bostrom, N. (2005). A History of Transhumanist Thought. *Journal of Evolution and
Technology, 1 (14)*, 1-25

Chang, K. H. (2022). *The Impact of Bodily Experience on Paul's Resurrection
Theology*. T and T. Clark.

Durbin, P. T. (2006). Philosophy of Technology: In Search of Discourse Synthesis
Techne. *Techne 10 (2)* (2006)

Durkheim, E. (1912). *The Elementary Forms of the Religious Life*. London: George
Allen and Unwin.

Hirst, P. (1974). *Moral Education in a Secular Society*. University of London Press,
Ltd, London.

Schleiermacher, F. (1928). *The Christian Faith* (2d Edition). London, T. & T. Clark.

Weber, M. (1964). *The Sociology of Religion* (E. Fischhoff, Translator). Boston:
Beacon Press.